



فهم میزان نیازمند آگاهی از نظریه ادراکات اعتباری است

حجت الاسلام یزدانی مقدم گفت: فهم میزان نیازمند آگاهی از نظریه ادراکات اعتباری است و فهمیدن نظریه ادراکات اعتباری نیازمند مطالعه و پژوهش جدی در تفسیر میزان است.

حجت الاسلام یزدانی مقدم گفت: فهم میزان نیازمند آگاهی از نظریه ادراکات اعتباری است و فهمیدن نظریه ادراکات اعتباری نیازمند مطالعه و پژوهش جدی در تفسیر میزان است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: کتاب «انسان شناسی و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبائی» تألیف حجت الاسلام احمد رضا یزدانی مقدم، عضو هیئت علمی گروه فلسفه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی توسط انتشارات این پژوهشگاه به چاپ رسیده است.

به مناسبت ۲۴ آبان ماه روز بزرگداشت آیت الله علامه سید محمدحسین طباطبائی در گفتگویی با نویسندگان این اثر به بررسی دیدگاه‌ها و اندیشه‌های سیاسی علامه طباطبائی پرداختیم که اکنون از نظر شما می‌گذرد؛

*آقای دکتر! هدف شما از نگارش کتاب «انسان شناسی و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبائی» چه بوده است؟ چرا علامه را با هابز مقایسه کردید؟ این به خاطر دیدگاه‌های هابز در لویاتان و علاقه به دیدگاه‌های اوست؟ یا به خاطر سلطه هابز در اندیشه غرب یا شاید بی ارتباط با تحلیل وضعیت امروز ما هم نباشد؟!

هابز یعنی فلسفه سیاسی مدرن بلکه بیشتر و مهمتر و گسترده تر. مقایسه نظرات علامه طباطبائی با هابز می‌توانست برخی امکانات فلسفه سیاسی علامه طباطبائی را آشکار سازد. به علاوه شباهت‌های میان این دو دیدگاه در فلسفه سیاسی رئالیستی را هم نمی‌توان نادیده گرفت تا جایی که احتمال بهره‌گیری علامه طباطبائی از فلسفه سیاسی هابز داده شده است. در این پژوهش نشان داده می‌شود که ما با دو مکتب متفاوت فلسفه سیاسی رئالیستی روبه‌رو هستیم.

*آیا فقط به خاطر رئالیسم بودن یعنی شباهت دو تفکر از آن بهره گرفته‌اید؛ چون در تحلیل شما ملاحظه می‌شود که تفاوت دو اندیشه برای جنابعالی خیلی مهم است و دلیل پرداختن تفاوت دو نظریه است؟

توجه دارید که در موقعیت کنونی مشکل بتوانیم از مکتب‌های فلسفه سیاسی اسلامی و یا از معاصرت در فلسفه سیاسی اسلامی سخن بگوییم. از این رو هر تلاشی در این جهت مغتنم است. گذشته از این در مقایسه کردن یک دیدگاه با دیدگاهی دیگر؛ در فلسفه سیاسی از مفهوم پردازی و ساماندهی آن دیدگاه دیگر هم استفاده می‌کنیم، البته جهات دیگری هم بود. برای نمونه مبانی فلسفی محکم و تأثیرگذار و نیز تمامیت‌گرایی در فلسفه سیاسی هابز.

جنبه‌های حقیقت جویی هم بود و دغدغه‌های شخصی. جالب است که همزمان آقای ولی الله نصر، ایده لویاتان اسلامی را مطرح کرد. این پژوهش نشان می‌دهد که فلسفه سیاسی علامه طباطبائی، بدیل لویاتان اسلامی ادعایی است.

ولی الله نصر، ایده لویاتان اسلامی را مطرح کرد، این پژوهش نشان می‌دهد که فلسفه سیاسی علامه طباطبائی، بدیل لویاتان اسلامی ادعایی است

کتاب انسان شناسی و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبائی در صدد است که انسان‌شناسی هابز و علامه طباطبائی را مقایسه کند و نشان دهد که چگونه انسان‌شناسی متفاوت این دو، در کلیت اندیشه سیاسی آنان مؤثر افتاده است. به این منظور، آثار این دو، به ویژه دو اثر اصلی آنان یعنی لویاتان و المیزان، بازخوانی و تا حدودی بازسازی شده و با روش تحلیل مقایسه‌ای، که روش شناخته‌شده‌ای در علوم سیاسی است، بررسی گردید.

این اثر با هدف تحلیل مقایسه‌ای انسان شناسی فلسفه سیاسی از منظر هابز و علامه طباطبائی نوشته شده است. اندیشه هابز بیشتر در اثر او با نام لویاتان و اندیشه علامه طباطبائی در نظریه ادراکات اعتباری و آثار فلسفی و تفسیری

وی ارائه گردیده است. همچنین علامه طباطبایی چهره برجسته حکمت متعالیه در دوران معاصر است و نظریه ادراکات اعتباری نظریه ابتکاری اوست که در چارچوب حکمت متعالیه عرضه شده و از آخرین دستاوردهای حکمت متعالیه به شمار می آید. این تحلیل مقایسه ای مفاهیم، تحلیل و ویژگی های نظریه ادراکات اعتباری در حوزه فلسفه سیاسی را نشان می دهد.

*این تحقیق شما چه دستاوردهایی داشته است؟

انسان هابزی، انسانی خلق الساعه و بدون گذشته و پیوندهای اجتماعی و تحت تسلط قوای طبیعی و غریزی و غیرعقلانی است؛ از این رو وضعیت طبیعی که در آن به سر می >زنj&wznj؛ برد، وضعیتی وحشیانه و ددمنشانه است که راه برون >زنj&wznj؛ رفتی جز قرارداد اجتماعی مشروط و به نفع شخص ثالث و واگذاری همه حقوق و اختیارات به او ندارد. این شخص ثالث، که بدین ترتیب، تبدیل به لویاتانی می >زنj&wznj؛ گردد که انسان >زنj&wznj؛ های منفرد در او مضمحل می >زنj&wznj؛ گردند، طرف قرارداد نبوده و تعهدی به آنها ندارد و تنها در مقابل خدا مسئول است.

همچنین به جهت ناتوانی عقل انسان یاد شده، بلکه هر انسانی حتی در زندگی مدنی، چاره >زنj&wznj؛ ای جز استبداد و مرجعیت عقل حاکم در حوزه سیاسی و حتی اعتقادی، وجود ندارد. بدین ترتیب، انسان >زنj&wznj؛ شناسی هابزی، توجیه استبداد سیاسی و دین حکومتی را فراهم می >زنj&wznj؛ آورد.

کتاب انسان شناسی و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبایی در صدد است که انسان >زنj&wznj؛ شناسی هابز و علامه طباطبایی را مقایسه کند و نشان دهد که چگونه انسان >زنj&wznj؛ شناسی متفاوت این دو، در کلیت اندیشه سیاسی آنان مؤثر افتاده است

اما علامه طباطبایی، انسان را موجودی اجتماعی تصویر می >زنj&wznj؛ کند که از سابقه و تجربه زندگی خانوادگی و اجتماعی برخوردار است. انسان منفرد در روی آوردن به زندگی اجتماعی، که ناشی از ویژگی >زنj&wznj؛ های وجودی اوست، برای بهره >زنj&wznj؛ گیری از دیگران؛ ناگزیر، بهره >زنj&wznj؛ دهی به آنان را می >زنj&wznj؛ پذیرد و بدین ترتیب، استخدام متقابل، که همان عدالت اجتماعی و قرارداد عملی و ضمنی اجتماعی است، را بر می >زنj&wznj؛ گزیند.

در نگاه علامه طباطبایی، انسان >زنj&wznj؛ های اولیه، تحت تأثیر قوای طبیعی بودند و سلطه قوای طبیعی، عقل را نیز در بر می >زنj&wznj؛ گرفت. اما عقل، در سیر طبیعی و اجتماعی، کمال یافته و با وحی و نبوت تقویت شده و حاکم بر غرایز و قوای طبیعی می >زنj&wznj؛ گردد و همین عقل است که مخاطب وحی شده و امکان دریافت پیام وحی و ارزیابی آن را دارد.

این تصویر از انسان در تبیین اجتماع و سیاست و حکومت و روابط دین و حکومت و اجتماع، تأثیر تعیین >زنj&wznj؛ کننده >زنj&wznj؛ ای می >زنj&wznj؛ گذارد. انسان اجتماعی به زندگی اجتماعی نائل می >زنj&wznj؛ آید. در اجتماع، مُلک و حکومت پیدا می >زنj&wznj؛ شود. برای تعدیل و تصحیح روابط اجتماعی و مُلک و حکومت؛ انسان، وحی الهی را دریافت می >زنj&wznj؛ دارد. مخاطب وحی الهی، انسان اجتماعی است که با تدبیر و اجتهاد اجتماعی، آن را بررسی می >زنj&wznj؛ کند و می >زنj&wznj؛ فهمد.

بدین ترتیب، دو انسان >زنj&wznj؛ شناسی متفاوت در اندیشه این دو اندیشمند؛ هابز و علامه طباطبایی، به دو تحلیل متفاوت از سیاست و حکومت می >زنj&wznj؛ انجامد. انسان >زنj&wznj؛ شناسی هابزی به وضعیت مدنی، دولت مطلقه، استبداد سیاسی و دین حکومتی منتهی می >زنj&wznj؛ شود و انسان >زنj&wznj؛ شناسی علامه طباطبایی به استخدام متقابل، اجتماع تعاونی، حکومت اجتماعی و دین اجتماعی، راه می >زنj&wznj؛ برد.

اندیشه علامه طباطبایی در نظریه ادراکات اعتباری و آثار فلسفی و تفسیری وی ارائه گردیده است، علامه طباطبایی چهره برجسته حکمت متعالیه در دوران معاصر است و نظریه ادراکات اعتباری نظریه ابتکاری اوست که در چارچوب حکمت متعالیه عرضه شده و از آخرین دستاوردهای حکمت متعالیه به شمار می آید

*امروزه در غرب و به ویژه ایالات متحده شاهد استفاده از نظریات اندیشمندان مانند فوکویاما >زنj&wznj؛ و ساموئل هانتینگتون در عرصه سیاست خارجی هستیم. آیا این استعداد در ادراکات اعتباری برای بهره گیری در روابط بین الملل به ویژه در عرصه عمل وجود دارد؟ با ذکر این نکته که ما بحران خاورمیانه و ظهور افراط گرایی تنش عربستان، یمن، قطر، عراق، سوریه، بحرین و... را داریم.

یک مطلب، آسیب شناسی وضعیت علمی ما و نسبت سیاست واقعی با دانش سیاسی و جایگاه دانش سیاسی و مناسبات قدرت با دانش سیاسی است که اختصاص به دانش سیاسی هم ندارد و اتفاقاً در همان کتاب، بر پایه مبانی هابز، اشاراتی به آن شده است. یک مطلب هم توانایی‌های؛ نظریه ادراکات اعتباری؛ و امکان استفاده از آن در دانش سیاسی و برخی از دانشهای مرتبط و یا نامرتب است.

به طور خاص درباره روابط بین الملل و سیاست خارجی هم علامه طباطبایی تصریحاتی دارد و هم بنده در ارتباط با نظرات علامه طباطبایی مطالبی را نوشته ام. با اطمینان می توان گفت تواناییهای؛ نظریه ادراکات اعتباری؛ بیش از آنی است که در حال حاضر مشاهده می شود.

* لازم است که در مورد نظریه ادراکات اعتباری کمی توضیح دهید تا با آن بیشتر آشنا شویم؟ چند نظریه درباره اعتباریات وجود دارد؟ نظریه ادراکات اعتباری از چه ماهیتی برخوردار است؟ این نظریه در چه حوزه‌ها؛ های دانشی به کار گرفته شده است؟ ریشه‌ها؛ های این نظریه کدام است؟

انسان دارای دو گونه از ادراکات است؛ ادراکات حقیقی و ادراکات اعتباری. ادراکات حقیقی از واقع خارجی خبر می‌دهند. ادراکات اعتباری از واقع خارجی خبر نمی‌دهند، بلکه در واقع خارجی تصرف و آن را تفسیر می‌کنند یا تغییر می‌دهند. از نظر علامه طباطبایی، تعریف اعتبار این است که حد یا تعریف چیزی را با عوامل احساسی به چیز دیگری بدهیم؛ به؛ منظور ترتیب آثاری که با عوامل احساسی خود ارتباط دارند. ضابطه کلی در اعتباری بودن یک مفهوم هم این است که به وجهی متعلق قوای فعاله باشد و بتوان نسبت؛ باید؛ را در وی فرض کرد. تعریف اعتبار و ضابطه آن با توضیحاتی که درباره چگونگی پیدایش اعتباریات عرض می کنم روشن خواهد شد.

تواناییهای؛ نظریه ادراکات اعتباری؛ بیش از آنی است که در حال حاضر مشاهده می شود

مقصود از نظریه ادراکات اعتباری، تحلیل علامه طباطبایی از ادراکات اعتباری است که به؛ عنوان؛ ادراکات اعتباری؛ شناخته می شود. این تحلیل، تفسیری فلسفی از ادراکات اعتباری یا اعتباریات است. علامه طباطبایی این نظریه را در رساله اعتباریات اظهار داشته و آن را در آثاری چون رساله الترتیب، رساله الانسان فی الدنيا، رساله الولایه، مقاله؛ ادراکات اعتباری؛ و تفسیر المیزان بسط داده است. تفسیرهای دیگری نیز از ادراکات اعتباری یا اعتباریات در دانش؛ های گوناگون، از جمله در دانش اصول فقه وجود دارد. از این؛ میان می‌توان به نظریات امام خمینی و آیت؛ الله سیستانی درباره اعتباریات در علم اصول اشاره کرد.

علامه طباطبایی این نظریه را نظریه؛ ای انسان؛ شناسانه یا علم؛ النفسی معرفی می‌کند و آن را درباره حرکت ارادی می‌داند. همچنین این نظریه را نظریه؛ ای درباره چگونگی هستی موجودات یا هستی؛ شناسانه و نیز نظریه؛ ای درباره دانش و معرفت برمی‌شمارد. علامه طباطبایی این نظریه را در حوزه؛ هایی چون انسان؛ شناسی، هستی؛ شناسی، معرفت؛ شناسی، حرکت ارادی، تفسیر، عرفان، کلام (نبوت، حسن و قبح و...)، دانش سیاسی و حقوق به کار گرفته است. پس از علامه طباطبایی این نظریه؛ در حوزه؛ هایی چون اخلاق، معرفت؛ شناسی اجتماعی و علوم اجتماعی مطرح شده است.

علامه طباطبایی نظریه خود یعنی؛ ادراکات اعتباری؛ را نظریه؛ ای ابتکاری و بدون سابقه معرفی می‌کند، به نظر می‌رسد ریشه؛ های این نظریه را می‌توان در آثار فیلسوفان اسلامی چون فارابی، بوعلی، سهروردی و ملاصدرا یافت

شهید مطهری حدس زده که ریشه این نظریه در علم اصول و نظریات عالم بزرگوار، شیخ محمدحسین اصفهانی باشد. اندیشمندان و نویسندگان دیگر نیز همین حدس شهید مطهری را پی گرفته و تکرار کرده؛ اند، ولی قرائن و شواهد نشان می‌دهد گرچه نظریات دانشمند بزرگ، شیخ محمدحسین اصفهانی با برخی اجزای این نظریه شباهت دارد، تفاوت؛ هایی نیز با آن دارد و به؛ صورت یک نظریه اظهار نشده است.

افزون بر این، علامه طباطبایی نظریه خود را نظریه؛ ای ابتکاری و بدون سابقه معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد ریشه؛ های این نظریه را می‌توان در آثار فیلسوفان اسلامی چون فارابی، بوعلی، سهروردی و ملاصدرا یافت.

* آیا نظریه ادراکات اعتباری توسط سایر اندیشمندان معاصر نیز مورد استفاده قرار گرفته و مسبوق به سابقه است؟

تقریباً پس از علامه طباطبایی بلکه همزمان با انتشار اصول فلسفه و روش رئالیسم؛ معمول متفکران ایرانی به این نظریه پرداخته اند. در حال حاضر با یک جستجوی اینترنتی ساده به دست می آید که دهها هزار مرتبه این نظریه مورد توجه و ارجاع قرار گرفته است، البته این موارد پرشمار قابل برگشت به حدود صد تا دویست اثر اصلی است.

* علامه از این نظریه در تفسیر میزان چه بهره هایی برده است؟

نظریه ادراکات اعتباری، بنیان نظری روش تفسیری علامه طباطبایی در میزان است. همچنین از این نظریه برای تفسیر آیات قرآن کریم و از آیات الهی برای تبیین و توجیه این نظریه استفاده شده است. علامه طباطبایی، در میزان، به rlm& تفصیل به بخش دوم این نظریه درباره انقسامات اعتباریات پرداخته است. لازم است تفسیر میزان از منظر نظریه ادراکات اعتباری به rlm&؛ مثابه بنیان نظری علامه طباطبایی مورد پژوهش zwnj&؛ های مستقلی قرار گیرد.

نظریه ادراکات اعتباری، بنیان نظری روش تفسیری علامه طباطبایی در میزان است، همچنین از این نظریه برای تفسیر آیات قرآن کریم و از آیات الهی برای تبیین و توجیه این نظریه استفاده شده است

بنده معتقدم نظریه ادراکات اعتباری مبنای نظری روش تفسیری علامه طباطبایی در تفسیر میزان است. از منظر نظریه ادراکات اعتباری، اعتباریات یا همان ادراکات اعتباری انقساماتی دارند؛ مانند اعتباریات عمومی، اعتباریات خصوصی، اعتباریات قبل از اجتماع، اعتباریات بعد از اجتماع، اعتباریات ضروری و اعتباریات غیرضروری. این انقسامات در تفسیر میزان مورد توجه بوده و در این تفسیر به zwnj&؛ تفصیل به انقسامات اعتباریات پرداخته شده است.

نظریه ادراکات اعتباری در معمول آثار علامه طباطبایی پردازش شده و در آثار متعدد وی تکون و تطور یافته است. این نظریه در تفسیر میزان از تبیین ویژه zwnj&؛ ای مستند به آیات الهی برخوردار بوده و از این zwnj&؛ رو، امتیازاتی در مقایسه با طرح و تبیین نظریه در دیگر آثار علامه طباطبایی دارد. به علاوه، گذشته از تبیین نظریه ادراکات اعتباری در تفسیر میزان، علامه از این نظریه در تفسیر آیات کریمه قرآن استفاده کرده است.

تأکید می کنم لازم است تفسیر میزان از منظر نظریه ادراکات اعتباری مورد توجه و بازخوانی قرار گیرد. به عبارت روشن zwnj&؛ تر، دریافت و فهمیدن تفسیر میزان نیازمند آگاهی از نظریه ادراکات اعتباری است؛ چنان zwnj&؛ که دریافت و فهمیدن نظریه ادراکات اعتباری نیازمند مطالعه و پژوهش جدی در تفسیر میزان است.

* به صورت کلی می توانید روند طرح نظریه ادراکات اعتباری در تفسیر میزان را شرح دهید؟

علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره برای تفسیر آیه و توضیح اختلاف میان انسانها در مراحل آغازین تاریخ انسانی و چگونگی پدید آمدن اختلاف یادشده، تحلیلی از ابتدای خلقت انسان و ترکیب انسان از روح و بدن و سپس شعور و آگاهی حقیقی انسان و چگونگی ارتباط انسان با اشیاء ارائه می zwnj&؛ کند. این تحلیل مقدمه ورود به بحث اعتباریات است. براساس این تحلیل، خداوند انسان را آفرید و در او شعور و آگاهی قرار داد و او را از حواس ظاهری و باطنی بهره zwnj&؛ مند ساخت. انسان قوه ادراک و فکر دارد و حوادث گذشته و حال و آینده را با آن درمی zwnj&؛ یابد. همچنین خدای تعالی برای انسان سنخی از وجود قرار داده که قدرت و قابلیت ارتباط با هر چیز و تسخیر بدون واسطه یا با واسطه آن را دارد.

دریافت و فهمیدن تفسیر میزان نیازمند آگاهی از نظریه ادراکات اعتباری است؛ چنان zwnj&؛ که دریافت و فهمیدن نظریه ادراکات اعتباری نیازمند مطالعه و پژوهش جدی در تفسیر میزان است

علامه طباطبایی از مقدمه یادشده استفاده می zwnj&؛ کند که قوه فکر و ادراک از یک zwnj&؛ سو و رابطه تسخیری از سوی دیگر، ویژگی سومی را در انسان نتیجه می zwnj&؛ دهد. این ویژگی عبارت است از علوم و ادراکات اعتباری برای ورود انسان به مرحله تصرف در اشیا و اثرگذاری در موجودات خارجی برای بهره گیری از آنها.

توضیح اینکه، علوم و ادراکات حقیقی، علوم و ادراکاتی است که حاصل فعل و انفعال میان ماده خارجی و حواس و ادوات ادراکی انسان است؛ «تحقق عندنا من الفعل والانفعال الحاصل بین المادة الخارجیة و بین حواسنا و ادواتنا الادراکیة» و شامل علوم حضوری و حصولی می zwnj&؛ شود. علوم و ادراکات حقیقی به تحقق اراده و صدور فعل

نمی‌انجامد؛ بلکه تنها حکایتی از خارج دارد؛ بل انما تحکی من الخارج حکایة؛ از سوی دیگر، گرچه علوم و ادراکات اعتباری برخلاف علوم و ادراکات حقیقی از امور خارجی حکایت نمی‌کند، این علوم و ادراکات به‌گونه‌ای است که هیچ فعل ارادی بدون توسل به آنها به انجام نمی‌رسد.

انسان علوم و ادراکات اعتباری را پدید می‌آورد و برای پدید آوردن آن از احساسات باطنی الهام می‌گیرد. احساسات باطنی، اقتضای قوا و دستگاه‌های فعل و عمل هستند. برای نمونه، قوای تغذیه و تولید مثل به عمل مناسب خود کشش و از امور ناسازگار با خود نفرت دارند و صورت‌های احساسی مانند حب و بغض و شوق و میل و رغبت را در انسان می‌آورند. این صورت‌های احساسی، انسان را به اعتبار علوم و ادراکات اعتباری، مانند حُسن و قبح و شایست و ناشایست و واجب و جایز برمی‌انگیزند و با واسطه شدن میان انسان و ماده خارجی و فعل انسان - که متعلق به ماده خارجی است - وظیفه خود را انجام می‌دهند. بنابراین، علوم و ادراکات اعتباری ارزش عملی دارند و علوم عملی خوانده می‌شوند.

علامه طباطبایی تأکید می‌کند که خداوند علوم و ادراکات اعتباری را به انسان الهام کرد تا او را برای ورود به مرحله عمل و تصرف در هستی مجهز سازد

علامه طباطبایی تحلیل خود را به‌گونه‌ای ارائه می‌دهد که قطع رابطه تولیدی میان علوم و ادراکات اعتباری را با علوم و ادراکات حقیقی نشان دهد. در تحلیل علامه علوم و ادراکات اعتباری از احساسات باطنی و در نتیجه، از قوای فعاله و دستگاه‌های عامله پدید می‌آید. همچنین علامه طباطبایی تأکید می‌کند که خداوند علوم و ادراکات اعتباری را به انسان الهام کرد تا او را برای ورود به مرحله عمل و تصرف در هستی مجهز سازد.

علامه برای تحلیل علوم و ادراکات اعتباری و تأکید بر استقلال آن از علوم و ادراکات حقیقی به آیات مربوط به خلقت و هدایت عامه موجودات استناد می‌کند: (الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ رِزْقًا وَ خَلَقَهُ ثُمَّ هَدَى)؛ (طه/۵۰) و (الَّذِي خَلَقَ قَسْوَى وَ الَّذِي قَدَّرَ قَهْدَى) (الأعلى/۳). گذشته از این آیات که درباره هدایت عامه موجودات است، علامه به آیات ناظر به هدایت انسان به‌طور خاص نیز استناد می‌کند: (وَمَا سَوَّاهَا قَالَهُمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا) (الشمس/۸).

علامه طباطبایی از این آیه استفاده می‌کند که فجور و تقوا با الهام فطری الهی برای انسان معلوم‌اند. این گفته علامه تأکیدی دوباره بر استقلال علوم و ادراکات اعتباری و ماهیت آن است. فجور و تقوا عبارت‌اند از آنچه برای فعل و عمل شایسته یا ناشایسته است. شایست و ناشایست یادشده، علوم عملی است که وجودی خارج از انسان ندارد. این بیان تأکید بر ویژگی دیگر علوم و ادراکات اعتباری است که عبارت است از اینکه این علوم و ادراکات از خارج حکایت نمی‌کنند و ما به‌ازای خارجی ندارند و موطن آنها تنها ذهن است.

از نظر علامه طباطبایی اضافه فجور و تقوا به نفس در آیه کریمه، اشاره به همین مطلب است که علوم عملی در نفس انسان وجود دارد، نه خارج از نفس انسان. در راستای همین ویژگی اخیر علامه طباطبایی به کریمه دیگری استناد می‌کند: (وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ)؛ (عنکبوت/۶۴) و در توضیح می‌نویسد: لعب، حقیقتی جز خیال ندارد و حیات دنیا چنین است. جاه و مال و تقدم و تأخر و ریاست و مرئوسیت و مانند آنها، امور خیالی هستند که واقعییتی خارج از ذهن ندارند و آنچه در خارج هست، حرکات طبیعی است که انسان با آنها در ماده تصرف می‌کند.

پس آنچه از مفهوم انسان رئیس؛ در واقع موجود است، انسان بوده، ریاست تنها در وهم وجود دارد. یا در مفهوم لباسی که مال کسی است؛ آنچه در خارج وجود دارد، لباس است و مال کسی بودن؛ امری خیالی است که از ذهن تجاوز نمی‌کند.